

تأثیرپذیری امام خمینی (ره) و حزین لاهیجی از حافظ در موسیقی کناری (ردیف)

براساس نظریه‌ی ترامنتیت

۱ سهیلا صلاحی مقدم

۲ اکرم امیری

چکیده:

ردیف، یکی از اجزای موسیقی کناری است و عبارت است از یک کلمه یا بیشتر که مستقل باشد در لفظ و بعد از قافیه‌ی اصلی به یک معنی تکرار شود. از آنجا که ردیف را ایرانیان ابداع کرده‌اند، در موسیقی شعر فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. امام خمینی (ره) و حزین لاهیجی در غزلیات شان از خواجه حافظ تأثیر پذیرفته‌اند و غزلیاتی سروده‌اند که هم از نظر بحور و اوزان و هم از نظر قافیه و ردیف به غزلیات حافظ نزدیک شده‌اند.

بینامنتیت، نظریه‌ی ادبی معاصر، به چگونگی تعاملات گوناگون زبانی و فرهنگی می‌پردازد و ترامنتیت، تبیین ساختارگرایانه‌ی این نظریه در چهارچوب تعاملات متنی است.

در این مقاله تمامی غزلیات امام خمینی (ره)، حزین لاهیجی و حافظ براساس نظریه‌ی ترامنتیت مورد بررسی قرار گرفت. در پایان مشخص شد که در شعر امام (ره) و حزین از عناصر شعری غزلیات حافظ مانند بن‌مایه‌ها، موسیقی شعر (مجموع وزن و قافیه و ردیف) بهره‌ی فراوان برده‌اند و چون موضوع مقاله نگاه ویژه به موسیقی کناری ردیف است، نحوه‌ی تعامل امام خمینی (ره) و حزین لاهیجی با سنت شعری حافظ تقریباً یکسان ارزیابی شد، چنانکه هر دو، غزلیات مردف سروده‌اند و بعضی از ردیف‌ها مشترک هستند ولی ابداعات و نوآوری‌ها بی در انتخاب ردیف هم دیده می‌شود. در مجموع از نظر تأثیر پذیری در ردیف، شعر امام (ره) نسبت به شعر حزین درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است هر چند که حزین در مواردی چون استفاده از ضمائر و حروف اضافه به عنوان ردیف، تأثیر بیشتری گرفته است.

واژگان کلیدی: غزل، موسیقی کناری- ردیف، ترامنتیت، امام خمینی (ره)، حزین لاهیجی، حافظ.

بینامنتیت از جمله نظریه‌های ادبی معاصر است که به تعاملات گوناگون ادبی، زبانی و فرهنگی می‌پردازد و ترامنتیت (transtextualite)، تبیین ساختارگرایانه‌ی این نظریه در چهارچوب تعاملات متنی است.

نظریه بینامنتیت در نظریه اندیشمندانی چون باختین، ریفاتر، ژنت و بارت تبیین شد هرچند که ژولیا کریستوا نخستین بار در دهه‌ی ۱۹۶۰ اصطلاح بینامنتیت (intertextualite) را برای هر نوع ارتباط میان متن‌های گوناگون مطرح کرد. البته اولین جرقه‌ی این نظریه در ذهن باختین شکل گرفت. او پی برد که سخن به عنوان کاربرد اجتماعی زبان، در پیوند با دیگر سخن‌ها شکل می‌گیرد.

بینامنتیت در بدو پیدایش خود، اساساً به عنوان یکی از رئوس گرایش‌های پس‌ساختارگرا مطرح شد. سپس ژرار ژنت اگر چه دیدگاهی ساختارگرا دارد، مانند پس‌ساختارگراها، آثار ادبی را در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌دهد. او با بهره‌گیری از مفاهیم زبان‌شناسی سوسوری می‌گوید: "تولید ادبی به منزله‌ی یک پارول، به مفهوم سوسوری آن، به معنی مجموع کنش‌های منفردی کمابیش مستقل و پیش‌بینی‌ناپذیر است، اما مصرف این ادبیات از سوی جامعه یک لانگ است."

کالر یکی از ساختارگرایان با تعبیری بینامنتی از نقش سنت ادبی بیان می‌کند که ما یک متن را شعر می‌نامیم زیرا در رابطه با شعرهای دیگر سروده شده است. همچنین جمله‌ای از یک زبان تنها بر حسب رابطه اش با سایر جمله‌ها و در قالب قراردادهای حاکم بر زبان معنا می‌یابد. او ضمن تمایز نهادن موضع خود با نظر بارت در جستار مرگ مؤلف معتقد است که یک شعر بدون داشتن رابطه با شعرهای دیگر و بدون توجه به قراردادهای حاکم بر خوانش متن، قابل آفرینش نیست. اگر معنی این شعر در طول زمان تغییر کند، به خاطر این است که با متن‌های تازه‌ای ارتباط برقرار می‌کند، متن‌های تازه‌ای که خود نظام ادبی را تغییر می‌دهند. (کالر: ۱۳۸۳، بخش نخست)

۱- استادیار دانشگاه الزهرا (س)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س)

ژنت دامنه مطالعات کریستوا را وسعت می‌بخشد و نظریه ترامنتیت را در زیر مجموعه‌ی بینامتنیت مطرح می‌کند. ترامنتیت (یا سر متنتیت) همان چیزی است که ادبیات را ایجاد می‌کند. او در کتاب "الواح بازنوشتنی" ترامنتیت را در پنج دسته از مناسبات و عوامل مطرح می‌کند که در پذیرش و دریافت معنای متون نقش دارند. قابل بیان اینکه ژنت بینامتنیت را شامل سه دسته عمده می‌شمارد: صریح و اعلام شده، غیر صریح. پنهان شده و نهایتاً ضمنی.

این پنج نسبت که متون در تعامل با یکدیگر برقرار می‌کنند و در تعاملات بینامتنی می‌گنجد عبارتند از: بینامتنیت (Intertextualite)، پیرامتنیت (Paratextualite)، فرامتنیت (Metatextualite)، سر متنیت (Arcitextualite) و بیش متنیت (Hypertextualite). (Genette: ۱۹۸۲T ۷-۸)

روابط بیش متنیتی به بررسی رابطه دو متنی می‌پردازد که وجود متن دوم به متن اول وابسته است. گونه شناسی بیش متنیتی به بررسی انواع متن‌ها می‌پردازد که دارای رابطه‌ی برگردنگی باشند یعنی متن دوم از متن اول برگرفته شده باشد. ژنت ارتباط بین متن‌ها را در بیش متنیت به دو دسته بزرگ تقسیم کرده است که عبارتند از: تراگونگی (تغییر) و همانگونگی (تقلید).

او سعی کرد تأثیر و تأثر بین متون را در این چهارچوب بررسی کند. البته در این پژوهش بینامتنیت و بیش متنیت بیشتر به کار آمده است که عبارتست از تأثیر بن مایه‌ها، موسیقی و تلمیحات شعری است.

تعریف ردیف

موسیقی شعر به چهار دسته موسیقی بیرونی (وزن عروضی)، معنوی (انواع توازن‌های حاصل از ارتباطات لفظی و تناسبات معنایی)، درونی (موسیقی حاصل از آرایه‌های بدیعی و تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها) و کناری (موسیقی حاصل از ردیف و قافیه) تقسیم می‌شود. موسیقی کناری همان جلوه‌های موسیقایی حاصل از تکرار کلمات در پایان ابیات و در شعر نو در پایان بند است که ردیف نیز جزو آن است که در بیان اندیشه و احساس شاعر و غنی ساختن موسیقی شعر نقش مهمی را ایفا می‌کند.

ردیف "در اصطلاح علم قافیه، کلمه یا کلماتی مستقل از قافیه است که پس از آن به لفظ و معنی واحد تکرار شود و شعر در معنی بدان محتاج باشد." (شریفی، ۱۳۸۷: ص ۶۸)

"بدانکه ردیف عبارت است از کلمه بی یا بیشتر که مستقل باشد در لفظ و بعد از قافیه‌ی اصلی به یک معنی تکرار یابد." (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۳)

ردیف "همگونی کاملی است که از تکرار یک عنصر دستوری یگانه (واژه، گروه، بند یا جمله) با توالی یکسان و با نقش‌های صوتی، صرفی، نحوی و معنایی یکسان در پایان مصاریع یا ابیات یک شعر و بعد از واژه قافیه به وجود می‌آید." (حق‌شناس، ۱۳۷۹: ص ۵۹)

از مجموع تعاریف یاد شده می‌توان چنین گفت که: ردیف به کلمه یا کلماتی گفته می‌شود که با معنا و لفظ یکسان در پایان مصراع‌ها یا ابیات آورده می‌شوند.

مردّف بودن یا بی ردیفی

ردیف را از ابداعات ایرانیان دانسته‌اند و به نظر دکتر شفیع کدکنی ردیف جز شخصیت غزل و جزئی از ساختمان ظاهری و فرم شعر فارسی است. در میان اشعار فارسی کمتر غزلی را می‌توان یافت که بی بهره از ردیف باشد. آمار جدول زیر نشانگر این امر است که هر سه شاعر نسبت به اهمیت وجود ردیف در شعرشان آگاه بوده‌اند و توجه خاصی به استفاده از ردیف در اشعار خود داشته‌اند.

حافظ	حزین	امام (ره)	
۶۴/۷۰	۹۲/۹۰	۸۱/۲۰	درصد غزل‌های مردّف
۳۵/۳۰	۷/۱۰	۱۸/۸۰	درصد غزل‌های بدون ردیف

انواع ردیف از لحاظ دستوری

ردیف به موسیقی شعر غنا می‌بخشد و در شعر فارسی شامل انواع کلمات متنوعی مانند فعل، اسم، صفت، حرف، ضمیر و ... می‌شود. در جدول زیر انواع ردیف‌های استفاده شده و بسامدشان در غزلیات حافظ، حزین و امام (ره) آورده شده است. هر چند که تنوع ردیف در غزل‌های هر سه شاعر متنوع است اما ردیف فعلی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است.

جدول انواع ردیف و بسامد آن در غزل‌های حافظ و حزین و امام (ره)

نام شاعر	حافظ	حزین	امام خمینی (ره)
نوع ردیف			
فعلی	۲۲۶	۳۷۴	۸۸
حرفی	۵	۶۶	۱
ضمیر	۱۲	۷۷	۷
صفت	۱۱	۳۰	۲
اسم	۹	۳۱	۳
سایر ردیف‌ها	۵۶	۱۹۳	۲۰
جمع موارد بالا	۳۱۹	۷۷۱	۱۲۱

انواع ردیف فعلی

در جدول زیر به بررسی ردیف‌های فعلی در غزل‌های حافظ، حزین و امام (ره) پرداخته شده است که طبق آمار ارائه شده فعل مضارع بیشترین بسامد را دارد. بسامد بالای فعل مضارع نمایانگر عارف بودن و ابن‌الوقت هر سه شاعر است.

جدول ردیف فعلی و بسامد آن در غزل‌های حافظ، حزین و امام (ره)

نام شاعر	حافظ	حزین	امام خمینی (ره)
نوع ردیف فعلی			
مضارع	۱۲۳	۱۹۴	۴۳
ماضی	۷۲	۱۳۵	۳۷
امر و دعایی	۲۵	۴۳	۶
آینده	۵	۲	۲
جمع موارد بالا	۲۲۶	۳۷۴	۸۸

از پرکاربردترین افعال مشترک در غزل حافظ و حزین و امام (ره) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جدول افعال پرکاربرد مشترک در غزل‌های حافظ، حزین و امام (ره)

نام شاعر	حافظ	حزین	امام خمینی (ره)
دارد	۱۰	۶	۰
کرد	۷	۶	۳
آمد	۴	۴	۲
زد	۲	۲	۰
بود	۱۰	۸	۱
شد	۲	۷	۵
است	۱۷	۱۵	۷
نیست	۵	۷	۸
جمع کل موارد بالا	۵۷	۵۵	۲۶
درصد موارد بالا	۱۱/۶۰	۶/۶۰	۱۷/۴۰

از میان افعال یاد شده فعل ربطی "است" از بسامد بالایی برخوردار است زیرا که این فعل نسبت به سایر افعال ربطی کاربرد بیشتری دارد به همین دلیل، زمان گسترده تری را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر کاربرد فراوان این فعل همچون آینه‌ای است که شاعر اوضاع و احوال عصر خود را در آن به تصویر می‌کشد. طبق آمار ارائه شده در جدول در می‌یابیم که امام (ره) نسبت به حزین از حافظ تأثیر بیشتری در استفاده از افعال مشترک ذکر شده گرفته است.

ردیف از لحاظ فارسی و عربی بودن

در زبان و ادب فارسی، بیشتر کلمات استفاده شده در جایگاه ردیف، فارسی هستند و به ندرت از کلمات عربی و ترکی استفاده شده است. به تبعیت از زبان فارسی ردیف غزل‌های حافظ، حزین و امام (ره) نیز فارسی هستند مانند کلماتی چون:

حافظ: به، چند، دگر، دوست، هم، چشم و ...
حزین: بلند، هم، خود، دل، خویش، اندر و ...

امام (ره): خویش، همه، من، دوست

البته استفاده از کلمات عربی مانند نمونه‌های زیر در شعر حافظ، حزین و امام (ره) به چشم می‌خورد ولی نمونه‌های ذکر شده از کلمات عربی‌ای هستند که در فارسی رایج است.

حافظ: اولی، خجل، فرخ، اولی، فراق، حسن، الغیث و ...

حزین: عبث، خط، خجل، عشق، عاشق، اولی و ...

امام (ره): عشق

ردیف از لحاظ کوتاهی و بلندی

ردیف‌های مورد استفاده حافظ، حزین و امام (ره) در بیشتر موارد از نوع ساده و کوتاه هستند. در غزل‌های حافظ و حزین به ترتیب ۶ و ۳۰ مورد و در غزل‌های امام (ره) با یک مورد از ردیف‌های بلند و طولانی مواجه می‌شویم. در زیر نمونه‌هایی از بلندترین ردیف‌های آنان آورده شده است:

حزین:

کی دیده‌ی تنها چو دل آغشته به خون است سر تا قدم ما چو دل آغشته به خون است
(حزین، ۱۹۷)

طَره‌ی ناز را دو تا کرد، که کرد؟ یار کرد
 (حزین، ۳۰۱)

ای سر و سرو مغان خیز و بیار چنگ و دف
 از غم دل حیران چه خبر داشته باشد؟
 حیران بقایای شدم امروز که دانی

دل به دو عالم آشنا کرد، که کرد؟ یار کرد
 (حزین، ۳۰۱)

جان مرا ز غم رهان خیز و بیار چنگ و دف
 (حزین، ۵۲۰)

محو تو ز هجران چه خبر داشته باشد؟
 (حزین، ۴۰۵)

باقی به بقایای شدم امروز که دانی
 (حزین، ۷۵۶)

حافظ:

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است
 خواب آن نرگس فتان تو بی چیزی نیست
 حاصل کارگه کون و مکان این همه نیست
 روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست

چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است
 (حافظ، ۳۳)

تاب آن زلف پریشان تو بی چیزی نیست
 (حافظ، ۷۵)

باده پیش آر که اسباب جهان این همه نیست
 (حافظ، ۷۴)

مَنّت خاک درت بر بصری نیست که نیست
 (حافظ، ۷۳)

امام(ره):

عالم اندر ذکر تو در شور و غوغا هست و نیست
 ردیف ممکن است از دو واژه تشکیل شود که نوعی از این ردیف، ضمیر+ فعل است که بسامد ردیف زیر در
 غزل‌های هر سه شاعر سه بار است:

باده از دست تو اندر جام صهبا هست و نیست
 (امام(ره)، ۳۱)

روزگاری ست که سودای بتان دین من است
 غم این کار نشاط دل غمگین من است
 (حافظ، ۵۲)

گل خزان زده ام، زندگی ملال من است
 سر کوی تو، به جان تو قسم جای من است

شکسته رنگی من ترجمان حال من است
 به خم زلف تو؛ در میکده مأوای من است
 (امام(ره)، ۲۱)

ردیف از نوع ضمیر + فعل	حافظ	حزین	امام (ره)
۱۴	۴۴	۹	
درصد ردیف ضمیر + فعل	۲/۸۰	۵/۳۰	۶

جدول بسامد ردیف ضمیر + فعل در غزل‌های حافظ، حزین و امام (ره)
 آمار ارائه شده در جدول بالا نشان می‌دهد که درصد ردیف ذکر شده در غزل‌های امام (ره) از حزین بیشتر است.

ردیف مشترک

استفاده از ردیف در غزلیات هر سه شاعر نه تنها از روی تکلف و اجبار نبوده است بلکه وجود ردیف کمال خاصی به شعر بخشیده و موسیقی آن را غنی تر کرده است. اگر حزین یا امام (ره) شعری را از حافظ اقتباس

کرده‌اند بدون تردید علاوه بر در نظر داشتن مضمون، به موارد دیگری مانند ردیف که یکی از عناصر تجلی بخش شعر است توجه کرده‌اند که در جدول زیر به موارد مشترکی با بسامدشان اشاره شده است و نتیجه این که تأثیرپذیری امام (ره) از حافظ در این مورد نسبت به حزین بیشتر است.

جدول ردیف‌های مشترک در غزل‌های حافظ، حزین و امام (ره)

نام شاعر / کلمه ردیف	حافظ	حزین	امام خمینی (ره)
اولی	۱	۱	۰
آلوده	۱	۲	۰
بهر ازین	۱	۱	۰
هم	۱	۱	۰
خجل	۱	۲	۰
شمع	۱	۲	۰
خوش	۱	۱	۰
خویش	۱	۶	۲
چند	۱	۳	۰
است	۱۷	۱۵	۷
نیست	۵	۷	۸
کرد	۷	۵	۳
کن	۴	۶	۲
آمد	۴	۴	۲
بود	۱۰	۸	۱
نبود	۲	۳	۵
شد	۱	۶	۵
را	۵	۶۵	۱
شوی	۱	۰	۱
دوست	۳	۰	۲
اوست	۱	۴	۱
من است	۳	۳	۳
داد	۲	۱	۱
این همه نیست	۱	۱	۰
زدند	۱	۳	۰
ما را بس	۱	۱	۰
بیار	۱	۱	۰
چه خواهد بودن	۱	۱	۰
باد	۳	۱	۰
هنوز	۱	۱	۰
جمع موارد بالا	۸۴	۱۵۳	۴۴
درصد موارد بالا	۱۷	۱۸/۴۰	۲۹/۵۰

ابتکار در کاربرد ردیف

از ابتکارات حزین در این زمینه می‌توان به مواردی مانند یللی (۲ بار)، تنه ناهایامو، محبت، صبح، گستاخ، بلند، قیامت، عبث، عشق، عاشق، فیض، درویش، خط، چه حظ، بهتر، حرف کهن اندر، های، گل، دل و مناداهایی چون ای ساقی، ای قمری و ... اشاره کرد که نمونه‌هایی از آنها در زیر آورده شده است:

مست صهبای الستم یللی	از می‌توحید مستم یللی
(حزین، ۷۷۳)	(حزین، ۷۷۳)
خواست شاهد می‌پرستم یللی	آنچه او می‌خواست هستم یللی
(حزین، ۷۷۲)	(حزین، ۷۷۲)
هله من جان جهانم تنه ناهایاهو	مظهر آیت و شأنم تنه ناهایاهو
(حزین، ۷۰۹)	(حزین، ۷۰۹)

ردیف در موارد بالا معنای خاصی ندارد و گویی شاعر برای بیان احساس و اندیشه خود واژه مناسبی را نیافته است. به عبارت دیگر شاعر برای بیان حالت خوشی و شادمانی خود و کامل کردن وزن عروضی شعرش از چنین واژه‌هایی استفاده کرده است.

هجرت رسیده کی برد از روزگار فیض؟	شاخ بریده را نبود از بهار فیض
(حزین، ۵۱۰)	(حزین، ۵۱۰)
نی می‌سرود با دل پرشور در سماع	افسانه‌ای که آمد ازو طور در سماع
(حزین، ۵۱۶)	(حزین، ۵۱۶)
از چشم خویش باشد باغ و بهار درویش	صد رنگ گل برآرد اشک از کنار درویش
(حزین، ۴۹۹)	(حزین، ۴۹۹)
ای تاب سنبلت زده بر مشکتاب خط	حسن کشیده بر ورق آفتاب خط
(حزین، ۵۱۱)	(حزین، ۵۱۱)

ابتکار حزین در استفاده از کلمات در جایگاه ردیف وسیع است و با توجه به نمونه‌های ذکر شده می‌توان پی برد که حزین علاوه بر صفات از اسم‌هایی که به نوعی دارای بار عرفانی هستند استفاده کرده است. از دیگر ابتکارات حزین می‌توان به استفاده از شبه جمله "کاشکی" در جایگاه ردیف اشاره کرد:

نالہ ام را در دلش تأثیر بودی کاشکی	شکوه ام را گاه گاهی می‌شنودی کاشکی
(حزین، ۸۱۸)	(حزین، ۸۱۸)

ابتکار استفاده از ردیف در اشعار امام (ره) در مقایسه با حزین و حافظ فقط کلمه (همه) است:

ماند انیم که دل‌بسته‌ی اویم همه	مست و سرگشته‌ی آن روی نکویی همه
(امام (ره)، عطر یار)	(امام (ره)، عطر یار)

از ابتکارات حافظ در کاربرد ردیف می‌توان به مواردی چون الغیث، کجا، غریب، فرخ، خوش، به، هم، دگر، ابرو، حسن، چشم، فراق، عمر، بس، باز و فعل دعایی مباد اشاره کرد:

صلاح کار کجا و من خراب کجا	بین تفاوت ره کز کجاست تا به کجا
(حافظ، ۲)	(حافظ، ۲)
ای خرم از فروغ رخت لاله زار عمر	باز آ که ریخت بی گل رویت بهار عمر
(حافظ، ۲۵۲)	(حافظ، ۲۵۲)
حال خونین دلان که گوید باز	وز فلک خون خم که جوید باز
(حافظ، ۳۶۱)	(حافظ، ۳۶۱)

زبان خامه ندارد سر بیان فراق و گرنه شرح دهم با تو داستان فراق
(حافظ، ۲۹۶)

ردیف ضمیر و حرف اضافه

هر چند که اکثر شاعران اشعاری با ردیف‌هایی از نوع ضمیر و حرف "را" دارند اما همان طور که در جداول زیر مشاهده می‌شود بسامد ضمایر و حرف اضافه "را" در غزل‌های حزین نسبت به بسامد آنها در غزل‌های حافظ و امام (ره) فراوان‌تر است.

جدول ردیف از نوع در غزل‌های حافظ و حزین و امام (ره)

نام شاعر	حافظ	حزین	امام خمینی (ره)
تعداد کاربرد ضمیر			
ما	۲	۲۴	۲
من	۱	۱۲	۱
شما	۱	۰	۰
او	۱	۰	۰
تو	۴	۶	۱
خود	۰	۱	۰
کجا	۱	۰	۰
کو	۱	۴	۰
خویش	۱	۰	۲
ما را	۰	۸	۰
مرا	۰	۵	۰
تو را	۰	۱	۰
خود را	۰	۴	۰
خویش را	۰	۱	۰
جمع استفاده از ضمایر	۱۲	۶۶	۶
درصد استفاده از ضمایر	۲/۴۰	۸	۴

جدول ردیف حروف و بسامد آن در غزل‌های حافظ، حزین و امام (ره)

نام شاعر	حافظ	حزین	امام (ره)
حرف			
را	۵	۶۵	۱
اندر	۰	۱	۰
جمع	۵	۶۶	۱

تعداد ردیف‌های دوفعلی در غزل‌های حافظ و حزین و امام (ره) به ترتیب ۲، ۶ و یک بار است. گاهی در ردیف‌های دو فعلی وجود حرف "که" توازنی را در میان افعال ایجاد کرده است که در ردیف غزل‌های امام (ره) چنین موردی پیدا نشد ولی در غزل‌های حزین مواردی مانند "است که نیست" و "است که بود" و در غزل‌های حافظ مواردی مانند "نیست که نیست" و "است که بود" دیده می‌شود.

خلاصه کلام این که:

مردّف بودن تعداد بسیاری از غزل‌های حافظ، حزین و امام (ره) نشان دهنده‌ی این امر است که هر سه شاعر از اهمّیت و جایگاه ردیف در شعر آگاه بوده اند.

تعداد ردیف‌های غیر مشترک در اشعار حزین بیشتر از غزلیات امام (ره) و حافظ است که دلیلش تعداد بیشتر غزلیات حزین است.

کلماتی که حزین از آنها به عنوان ردیف استفاده کرده است علاوه بر داشتن تنوع دستوری، از لحاظ اینکه کلمات دارای بار عرفانی هستند هم متنوع است مانند (فیض، سماع، خط، درویش و ...).

در مجموع تأثیرپذیری امام (ره) نسبت به حزین از حافظ بیشتر است. در مورد ضمیر و حروف اضافه در جایگاه ردیف، شعر حزین تأثیر بیشتری از حافظ نسبت به امام (ره) گرفته است.

ردیف از نوع ضمیر همراه با حرف اضافه را در غزلیات هر سه شاعر سه بار تکرار شده است.

از میان انواع دستوری ردیف، ردیف فعلی بالاترین بسامد را در شعر هر سه شاعر دارد.

از میان نوع دستوری فعل که در جایگاه ردیف است فعل مضارع و از میان افعال ربطی، فعل "است" بالاترین بسامد را دارند که این بیانگر ابن الوقت بودن و تأثیر عرفان بر اندیشه‌ی هر سه شاعر است.

شعر حزین در زمینه داشتن ردیف‌های بلند و عربی، نسبت به شعر امام (ره)، به شعر حافظ نزدیک تر است.

فهرست منابع

- ۱- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۹)، چاپ سوّم، تهران، میترا.
- ۲- آهنگ شعر فارسی، فضیلت، محمود، (۱۳۷۸)، چاپ اوّل، تهران، سمت.
- ۳- دیوان، حافظ، شمس الدین محمد، (۱۳۸۸)، به اهتمام جهانگیر منصور، چاپ چهل و پنجم، تهران، نشر دوران.
- ۴- دیوان، حزین، محمد علی بن ابی طالب، (۱۳۸۷)، تصحیح و مقدمه بیژن ترقّی، چاپ اوّل، تهران، سنایی.
- ۵- دیوان، خمینی، روح الله، (۱۳۸۹)، چاپ سوّم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۶- ردیف و موسیقی شعر، محسنی، احمد، (۱۳۸۲)، چاپ اوّل، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۷- عروض فارسی، ماهیار، عباس، (۱۳۸۵)، چاپ هشتم، تهران، قطره.
- ۸- فرهنگ ادبیات فارسی، شریفی، محمد، (۱۳۸۷)، تهران، فرهنگ نشر نو و معین.
- ۹- مختصری در شناخت علم عروض و قافیه، مسگر نژاد، جلیل، (۱۳۷۰)، چاپ اوّل، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۰- مقالات ادبی - زبان شناسی، حق شناس، علی محمد، (۱۳۷۰)، تهران، نیلوفر.
- ۱۱- موسیقی شعر، شفیع کدکنی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، چاپ دوازدهم، تهران، آگاه.

مقاله:

۱۲- ترامنتیت مطالعه‌ی روابط یک متن با دیگر متن‌ها، نامور مطلق، بهمن، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۸۶، ص ۸۳-۹۸.

۱۳- بینامتنیت پیشینه و پسینه‌ی نقد بینامتنی، ساسانی، فرهاد، بیناب، شماره ۵۶، اردیبهشت ماه، ص ۱۸۵-۱۷۲.